



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۲/۱۵



عزیز الله کهگدای

یادداشتهای حافظ نور محمد کهگدای

قسمت ۵۰

❖ روزی در محضر شیخ ابوسعید ابوالخیر صوفی معروف و دانشمند بزرگ، مریدان و دوستان جمع، مجلس رقص و سماع برگزار بود در همان وقت ناگهان قاضی شهر نیز بحضور شیخ بخدمت رسید. شیخ روبه قاضی نموده فرمودند: «یا قاضی! از مریدان تاسی جو، وبه رقص اندر شو!» قاضی شهر اطاعت فرموده چون رقص به اصول نمی دانست، خوب نمیر قاصید یکی از مریدان، قاضی شهر را مخاطب قرار داده گفت: یا قاضی شهر، شما به اصول، رقص نمی رقصید؟ قاضی پاسخ داد: «من به دستور می رقصم، نه به اصول!»

❖ مسلمانان عرب بعد از فتح فارس و انقراض دولت ساسانی، به خراسان آنوقت یا افغانستان نیز لشکر کشیدند، سیستان را در ۲۳ق و قندهار را در ۴۴ق فتح کردند. موسیو فریر از جمله سیاحین قرن ۹م نظریه هر بیو را که اساس حمله سرا اخوان الملک میباشد چنین می نگارد: حملات اخوان الملک اینست که در سال ۳۰۴ق - ۹۱۸م در زمان خلافت المقتدر هنگام حفر تهداب برجی در قندهار یک مغاک زیرزمینی کشف شد که در آن یک هزار سر عرب همه در یک زنجیر بسته و از سال ۷۰ق - ۶۵۹م محفوظ مانده بود و یک کاغذی هم موجود بود که این تاریخ به روی آن ثبت بوده وبه ریسمان ابریشمی ارتباط داشت که در گوش ۲۰ نفر مهم آنکشیده شده و در آن اسمای ایشان درج بود. از این برمی آید که اعراب در اول ورود خود به قندهار، این شهر باستانی موفقیت حاصل کرده نتوانستند، اما صاحب تحفه الکرام عین واقعه را با کمی اختلاف که شاید همین حقیقت داشته باشد، چنین ذکر نموده است. در اربع و ثلث مائه هجری قمری برخی از بروج قندهار بیفتاد از آن میان هزار اسیر آدمی ظاهر شده همه را بیک دیگر بسته بودند و در گوش ۲۹ آنها رقه ها بود که به ریسمان بسته و نام شان نوشته بود و تاریخ رسبعین هجری درج بود.

❖ سردار محمد علی خان بنابر بعضی نامالایمات از پدر خود امیر شیر علیخان خفه بود. او از قندهار بنای شورش را کرد، از این رو امیر شیر علیخان بمقابله آماده شده از قلات غلجایی گذشته در موضع کجبار، قرارگاه لشکر خود را ساخت. پسرش سردار محمد علی خان که جوانی زیبا ورشید بود، تن بسلاح آراسته در کجبار به خدمت پدر حاضر شد. امیر که او را با آلات حرب آراسته دید گفت: چنان تن به آلات حرب آراسته یی که گویا خود را آماج گلوله خصم ساخته یی لازم است که تغییر لباس کرده داخل میدان حرب شوی تا خصمت معلوم نشود. او فوراً تغییر لباس کرده دورتر بحضور امیر ایستاد.

چون منظور سردار محمد علی خان مصالحه و ترک مقابله بود، شخصی را نزد سردار محمد عثمان خان که همراه پدرش بود، فرستاده او را نزد خود طلبید و خوابی که دیده بود به سردار عثمان خان چنین بیان کرد: دو سگ گزنده بمن حمله کرده از پایم گرفته مرا می دریند و علاوه کرد که کلیه سپاه من از شدت محاربه خسته اند و شما «عثمان خان» اگر ترک مقابله و جنگ امروز را از پدرم استدعا کنید بهتر خواهد بود.

وقتیکه امیر شیر علیخان این مطلب را از زبان سردار عثمان خان شنید، فرمود: محمد علی پسر من را آهنگ جنگ نیست، سردار محمد علی خان از این گفتار پدر خوشنود گردید. بلاخره محمد علی در جنگ شهود «کجبار» در ۸ میلی جنوب غرب قلات غلزایی بدست محمد امین خان کاکایش کشته شد و محمد امین خان کاکایش بدست یکی از هواداران سردار محمد علی خان بقتل رسید.

❖ امیر شیر علیخان پادشاه ترقی خواه و مدنیت پرور در دوره زمام داری خود خدمات بزرگی را در افغانستان برای اولین بار انجام داده است منجمله خدمات پستی را در کشور تاسیس کرد. در ۱۸۷۰م برابر با ۱۲۴۹ش اولین پسته خانه مرکزی را بنام «چاپارخانه» در ارگ بالا حصار کابل تاسیس کرد و سپس به چاپ تکت پستی اقدام نمود که تکت پستی مشهور آن بنام «کله شیر» شهرت دارد. سپس در ۱۹۰۸م در زمان امیر حبیب الله خان چاپارخانه

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

به « داکي خانه » که بعين مفهوم بود ، تبديل گرديد. همزمان در سال مذکور « کارت لپتر » وپارسل پست در افغانستان شروع شد. و تيلفون در ۱۸۹۷م در زمان امير عبدالرحمن خان براي نخستين بار بکابل آورده شد .
اميرشيرعليخان **مطبعه شمس النهار** کابل را دربالاحصار بکار انداخت، بنوشته فوفلزايي عزيزالدين اولين مطبعه سنگي که اميرشيرعليخان درايام سفر به انباله هند خريداري و بکابل آورده شد ، تاريخ نصب و تدوين آن در نزدیکی بالاحصار کابل بسال ۱۲۴۸ش مطابق ۱۸۶۹م است . اين ماشين نه تنها اخبار شمس النهار بلکه ، نظام نامه ها ، قواعد عسکري ، تعليمات نامه نظامی را درپهلوی مطبعه شمس النهار که بنام مطبعه شيرعلي خان ياد ميشد طبع ميگرديدند. دو مطبعه ديگر بنام **مطبعه مصطفاوي** واقع درسرای شيرعلي خان در بيرون بالاحصار و ديگرش درسرچوک کابل فعال بودند که با حمله انگليس برفغانستان اين مطابع ازبين رفت و در ۱۸۸۰م – ۱۲۵۹ش اميرعبدالرحمن خان ماشين خانه علم گنج را دوباره ترميم و **مطبعه سنگي دارالسلطنه کابل** را درماشين خانه کابل فعال ساخت که تا سلطنت امير حبيب الله خان بهمان نام شهرت داشت اميرمذکور مطبعه فنون حربي را بسال ۱۳۳۷ق درمهابت قلعه کابل تاسيس کرد . همچنين **مطبعه شاهي کابل** ، **مطبعه عنايت** « مربوط شهزاده عنايت الله خان » ، در گذشته افغانان کابل در يکي از منازل شخصی درجوارمسجد باغبان باشي مطبعه دولتي و آزاد تا دوره امانی فعال بودند .

❖ توپ چاشت کابل درکارخانه اسلحه سازی زمان اميرشيرعلي خان ساخته شده بود . اين توپ که ساعت ۱۲ روز را با يک فير اعلام ميکرد ، دراوايل ازتپه بي بي مهرو فيرمي شد ، اما اميرمحمد افضل خان پسر ارشد امير دوست محمد خان که مرد معتدل و سليم النفس بود در دوره کوتاه پادشاهی خود توپ چاشت را به بالاحصار انتقال و از انجا فيرميشد . بعداً توپ مذکور در دامنه کوه شير دروازه درتپه گذرگاه که بنام « **تپه توپ** » ياد می شد ، نصب گرديد و با فيرهای به موقع « وقت » را اعلام می نمود و بالاخره در زمان رياست جمهوری سردارمحمد داؤد توقف گرديد.

❖ در زمان اميرشيرعليخان يک نوع چای از هندوستان درکابل وارد ميشد که مانند کلولة « **سردوز** » يا تاردبل بود و آنرا مردم کابل بنام چای « کلولة » می گفتند که معمولاً از طريق پشاور وارد افغانستان ميشد ، چون درکابل چندان خريدار نداشت آنرا بيشتتر به بخار می بردند که درانجا خوب فروخته ميشد . با آنهم اگر درکابل فروخته ميشد في کلولة آن از ۳ تا ۴ پيسه بفروش می رسيد. تنها امير شيرعلي خان از آن چای می نوشيد و چايدار باشي امير بنام حاجي آغا جان مشهور به حاجي « **چايي** » بود.

❖ يک نوع چين سفيد که بنام « **فرغل** » ياد ميشد در وقت امير مروج بود. اين چين از پيش رو و پشت سر وشانه ها ابريشم سفيد گلدوزی شده بود ، بسيار مغش و قيمتي بود که شهزادگان در مجالس می پوشيدند . هکذا نوع ديگري از پوشاکه که مانند چين بود بنام « **الخاکی** » معروف بوده که در حصه سينه آن بازمی بود که واسکت از زير آن پوره معلوم ميشد و آستين ها هم تا حد زير بغل باز بوده ، با دکمه های ابريشمين قشنگ بسته ميشد . از اين لباس ها بعضی کاکه ها نيز استفاده ميکردند و در « **کرياس** » منازل دپ ميکردند مانند کاکه آغا دوست که درکوچه سردارجهان خان می زيست و از جمله کاکه های مشهور کابل بود که رفقايش کاکه سلطان عزيز ريکا ، شيردل ريکا ، کریم لنگوته و شاه حسن جان بودند، يک نوع فيته مدور بود که بروی تصوير های گاو سواران ، اسب سواران و غيره بکار ميرفت که بنام « **گنجفه** » ياد ميشد .

❖ در وقت اميرشيرعلي خان گوشت از طرف صبح في پاو « ۵ » پيسه و از طرف عصر می پاو ۴ پيسه فروخته ميشديعی از طرف صبح في سير يک روپيه و يک عباسی و از طرف عصر في سير يک روپيه و چهار پيسه معامله می شد . هم چنين روغن زرد را دکاندار في سير نيم روپيه ، برنج کنری اعلی را في سير يک روپيه ، برنج بهاولپوری الی پنج چارک آن يک پيسه ، تيل ۳ چارک يک روپيه ، گرجارباغی پنج چارک يک روپيه ، گر جلال آبادی ۳-۵ چارک آن يک روپيه و دوشاب ماهتابی في روپيه را يک سير مي فروختند .

پایان